

بررسی نقوش فرش ترکمن

زهرا غفاری^۱

چکیده

قالی‌بافی در بین ترکمن‌ها سابقه‌ای طولانی دارد. از دورانی که دامداری در میان ترکمن‌ها رواج یافت، قالی‌بافی نیز شکل گرفت. در بافته‌های گذشته ترکمن، پشم بسیار خوب، رنگ‌های گیاهی ثابت و زیبا، تنوع نقش‌ها و بافت منسجم دیده می‌شود. ظرافت نخ، نشانه‌ای از حوصله بسیار آنان است. فرش در فرهنگ ترکمن ریشه در تار و پود هستی و زندگی ترکمن دارد. فرش ترکمن زاده ذهن خلاق و اندیشه جستجوگر و دست‌های آفریننده است.

پرداختن به صنایع دستی مناطق مختلف علاوه بر رونق بخشی به صنایع محلی و اشتغال‌زایی می‌تواند برنامه‌های جذاب و مخاطب‌پسندی را در تولیدات تلویزیونی ایجاد کند. مطالعه و بررسی هر کدام از این صنایع می‌تواند نقوش و نحوه تهیه آنها را به روز کرده و به رونق صنایع محلی بیفزاید.

کلیدواژه‌ها: صنایع دستی، قالی‌بافی، دست‌بافته‌های ترکمن، فرش ترکمن، نقش قالی

ترکمن

۱. کارشناسی ارشد مردم‌شناسی از دانشگاه آزاد واحد تهران مرکز، پژوهشگر فرهنگ مردم

مقدمه

قالی‌بافی در آغاز در میان ایلات و قبایل صحرائشین که کار اصلی و عمده آنان دامداری بود پدیدار شد. اینان پس از فراگیری ریسیدن و بافتن پشم به گلیم‌بافی پرداختند و پس از مدتی به تولید نوع خاص گلیم پرداختند که امروز آن را «ورنی» (verni) می‌نامند و بیشتر در آذربایجان شرقی تولید می‌شود. ورنی از نظر بافت، حلقه واسطی بین گلیم و قالی محسوب می‌شود. فلات ایران مهد پیدایش قالی‌بافی بین ایلات و چادرنشینان بود که با شرایط زیستی آنها هماهنگی داشت. آنها در اوقات بیکاری خود، پشم‌های چیده‌شده را ریسیده و پوشش‌هایی را به وجود آوردند که برای تهیه چادر و فرش بادوام باشد. این پوشش‌ها بیشتر برای رفع نیاز طبیعی و مقابله با تغییرات جوی است. این قبایل با ذوق و سلیقه سرشاری برای ایجاد نقش‌ها و رنگ‌های بدیع و طبیعی، در طول زمان‌های متمادی، زبانزد عام و خاص شدند و این تلاش‌ها، آغاز راهیابی این هنر به شهرها شد. خصوصیات فرش عشایری را می‌توان در رنگ و نقوش نامتناهی و هماهنگی رنگ‌ها جستجو کرد. وجه مشترک همه دست‌بافت‌های عشایری، در طول هزاران سال در نقوش پرندگان، صور هندسی و نگارهای درختان است که با توازن ویژه‌ای در دراز و پهنای آن تکرار می‌شود. ترنج از دیگر نگارهایی است که یا به صورت مرکب یا یک طرح واحد از قرن‌ها پیش به عشایر و آبادی‌نشینان منسوب می‌باشد. (بداعی، ۱۳۷۱: ۳۵)

نقوش شکسته و دوازی که دارای نوعی تقارن محوری یا تقارن مرکزی هستند با مطالعه و بررسی بر روی اکثر تک‌گل‌ها یا مجموعه‌ای از نقوش ترنج‌ها یا شمشه‌ها در قالب‌های بدوی و عشایری از این گونه تقارن برخوردارند. شاید قالی‌بافان روستایی مصادیقی همچون دنیا، آخرت، مزرعه و... را می‌خواهند به ناظران منتقل نمایند. همچنین نقوش روی قالی‌های سجاده‌ای و روی در و دیوارهای امامزادگان و مساجد و روی انواع زیراندازها و کفپوش‌ها این نقوش دیده می‌شوند. این نقوش طی نسل‌ها سینه به سینه منتقل می‌شود و استمرار آن در طول نسل‌ها با نوعی حالت پویایی به جهت طرح مفاهیم بلند الهی و انسانی در تمام مکان‌ها و زمان‌ها قابل درک می‌باشد. (حضور، ۱۳۷۱: ۳۵)

صنعت قالی‌بافی ایران

بسیاری بر این باورند که صنعت قالی‌بافی می‌تواند یکی از پرسودترین فعالیت‌های اقتصادی در کشور باشد. دانش، مهارت و هنر در ایران توانسته است تلفیقی از زیبایی را به وجود آورد. سال‌هاست فرش ایرانی علاوه بر مصرف داخلی به عنوان یک کالای باارزش صادراتی از اعتبار ویژه‌ای برخوردار شده است. در بین کالاهای غیرنفتی، فرش مقام نخست را دارد و می‌تواند بخشی از درآمد ارزی کشور را تأمین کند.

قالی ترکمن

فرش ترکمن یکی از نشانه‌های اصلی فرهنگ ترکمن است و به عنوان ارکان اصلی آن



اصالت خود را حفظ کرده است. نقش و تأثیر تراکم در به وجود آمدن فرش آشکار می‌شود و عشایر ترکمن بنا به طبیعت زندگی و نیازهای خود نقش‌هایی را می‌آفرینند که ریشه در تار و پود زندگی آنان دارد؛ نقش‌هایی که با اندک تأمل بر روی آن می‌تواند به عنوان گنجینه‌ای گران‌بها قسمتی از هنر و صنعت قالی‌بافی دنیا را به تسخیر خود درآورد. (بداغی، پیشین: ۶۳)

هنر و صنعت قالی‌بافی در بین ترکمن‌ها سابقه‌ای طولانی دارد. از دورانی که دامداری در میان ترکمن‌ها رواج یافت همزمان با آن هنر قالی‌بافی نیز

شکل گرفته و معمول گشته است. قالی‌بافان ترکمن با ایجاد گل‌های مختلف شیوه زندگی، جهان‌شناسی، رفتار اجتماعی خواسته‌های قومی را به نمایش می‌گذارند. فرش در فرهنگ ترکمن ریشه در تار و پود زندگی و بقا دارد. فرش ترکمن زاده ذهن خلاق و اندیشه جستجوگر و دست‌های ماهر است. مظاهر طبیعت و آنچه در محیط‌زیست عشایر ترکمن وجود دارد را می‌توان به عنوان منشاء نقش‌هایی پنداشت که اینک به دست ما رسیده است.

این نقوش به صورت اشکال هندسی و تماماً قرینه بوده و شکلی از مظاهر مادی و معنوی زندگی عشایر ترکمن هستند. علاوه بر آن بسیاری از افسانه‌ها، باورها و اسطوره‌ها نیز خود را در نقوش جلوه‌گر ساخته‌اند. در واقع، هنر در قالی ترکمن تجلی‌گاه ارزش‌ها، هنجارها و مسائل زندگی و محیط اطراف است.

به طور کلی شکل‌گیری و نوع صنایع‌دستی در هر جامعه‌ای متأثر از نیازهای اولیه آن جامعه نظیر تهیه پوشاک و مسکن و همچنین مواد اولیه موجود در محیط است. (حصوری، ۱۳۷۱: ۶۸ و ۶۷)

نقوش قالی‌های ترکمن

قالی‌های ترکمن پنج نوع نقش اصلی دارند که مربوط به نشانه‌های پنج ایل می‌باشد. این نقوش در پرچم جمهوری ترکمنستان نیز دیده می‌شود.

«یموت» (yamut)، «تکه» (take)، «ارسای» (ersây)، «چاودار» (čâvdâr)، «اخل» (axel) از نقش‌های اصلی به حساب می‌آیند. (همان: ۲۳) علاوه بر این نقش‌های اصلی، نقش‌های دیگری نیز در قالی‌های ترکمن دیده می‌شود:

۱. قوچان (qučân): در فرهنگ ترکمن، قوچ مظهر شجاعت است و حالت سمبلیک دارد و نشان‌دهنده قدمت و باروری است.

۲. غولفاق (qulfâq): در خانواده‌هایی که فرزندان ذکور



آنها از میان رفته یا دارای تک‌فرزند ذکور هستند بیشتر معمول بوده است.

۳. سجاده‌ای (بداغی، ۱۳۷۱: ۳۶)

در قالی‌های ترکمن، گل‌های مختلفی دیده می‌شود که مهم‌ترین آنها عبارت‌اند از:

۱. «فیلیپ گول» (filpay gul): به معنی نقش کف پای فیل. نام گل بزرگی است (قابل

مقایسه با چپات اشتر در سیستانی به معنی کف پای شتر).

۲. «چمچه» (čemče): چمچه لغتی فارسی به معنی قاشق گود است.

۳. «کجه» (kejebe): به معنی کجاوه و گرفته از تلفظ بسیار قدیم واژه یعنی کجابه.
 ۴. «گولی گول» (gulli gul): به معنی نقش گل گلدار و آن نقش مایه‌ای است دارای گل‌های ریز.
 ۵. «دغا» (doqâ): به معنی طلسم. در ترکی ریشه ندارد و همان دعاست.
 ۶. «سکیز کله» (sekiz kelle): به معنی هشت کله. ترجمه از فارسی است.
 ۷. «سکیز قاپی» (sekiz qâpi): به معنی هشت در. ترجمه نادرست هشت بر است.
 ۸. «چرخ پلک» (çarx palak): به معنی چرخ فلک.
 ۹. «آینا؛ آینا گل» (âynâ gol): به معنی نقش آینه.
 ۱۰. «آت ایاقی» (ât ayâqi): پای اسب به تقلید از فیلیپ گول.
- همان‌گونه که قبلاً ذکر شد، اکثر نقوش قالی‌های ترکمنی از آنجایی که برگرفته از اشیای کاربردی خاص یا نمونه‌های طبیعی مشخص هستند لذا در اکثر موارد به همان نام، موسوم شده‌اند. (بوگولیوف، ۱۳۵۶: ۳۹)

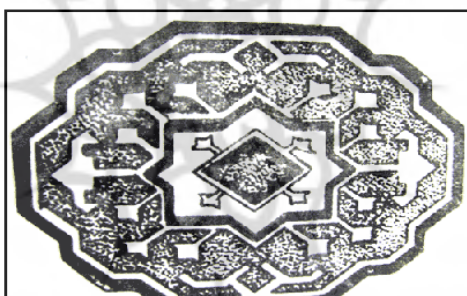
ساختار فرش ترکمن

ساختار تار و پود قالی‌های ترکمنی در بعضی از موارد از پشم است و آنها از پشم گوسفندان خود برای بافتن چنین فرش‌هایی استفاده می‌کنند. قالی ترکمن را زنان بر روی دار افقی و در درون چادر می‌بافند، در نتیجه بافت قطعات کوچک‌تر، رواج دارد. علاوه بر قالی، انواع دیگری از بافته‌های فرش و گلیم‌گونه نیز که عمدتاً کاربرد ویژه‌ای دارند در مناطق ترکمن‌نشین تولید می‌گردد که از آن جمله می‌توان به «خورجین»، «آلمالیق» (âlmâliq) و اجاق‌باشی اشاره کرد. (بداغی، ۱۳۷۱: ۷۲) امروزه ترکمن‌ها، بیشتر به بافت پشته «قارچین» (qârçin) مشغولند و تقریباً انواع دیگر بافته‌ها را به فراموشی سپرده‌اند. گاهی برخی بافته‌ها از سر تفنن کیف‌هایی هم برای خانم‌ها می‌بافند.

بهترین بافته‌های قالی ترکمن مربوط به «ایل تکه» است. تعداد بافته‌های ایل تکه کمتر از بافته‌های دو طایفه یموت است، طایفه آتابای در کیفیت بافندگی پس از تکه قرار دارد و بیشترین حجم قالی را تولید می‌کند. طایفه جعفربای پس از آتابای قرار دارد.

نوع گره قالی‌های ترکمنی هم ترکی و هم فارسی است. ایل تکه بیشتر از گره ترکی استفاده می‌کند ولی در سایر مناطق گره فارسی هم استفاده می‌شود. در قالی‌های ترکمنی شیرازه متصل به کار می‌رود و گلیم‌بافی آنها از نوع فارسی است. بیشتر قالی‌های ترکمن از نوع درشت‌باف هستند ولی در ایل تکه که بیشتر از ابریشم استفاده می‌کنند، ریزبافی تا حد رج شمار ۴۰ و ۵۰ دیده می‌شود. مهم‌ترین ویژگی فنی بافت قالی آنها تک (تک پود نازک) بودن قالی آنها است که به همراه قالیچه‌های بلوچی از بارزترین نمونه‌های این شیوه در این زمان هستند. به طور کلی می‌توان گفت فرش‌های ترکمن تخت‌باف هستند. (حصوری، ۱۳۷۱: ۴۵)

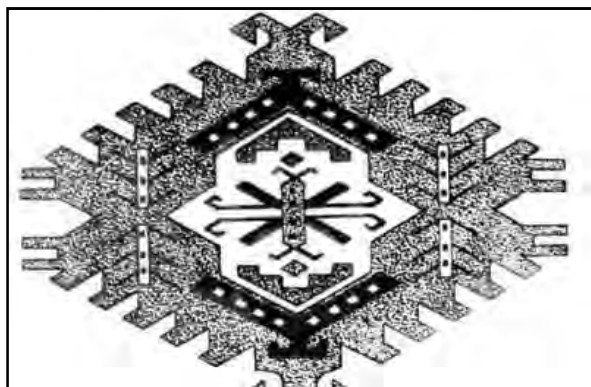
تصاویر نقوش ترکمن



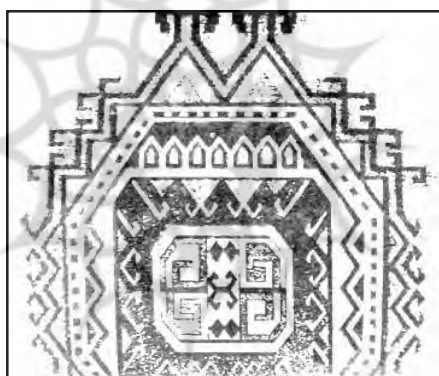
پوشگاه، نماد قوم ترکمن



کاروان شتر



نقش عقاب (طغر) متعلق به طایفه جعفریای



طرح آینه گل، متعلق به طایفه جعفریای، ساکن شرق دریای مازندران



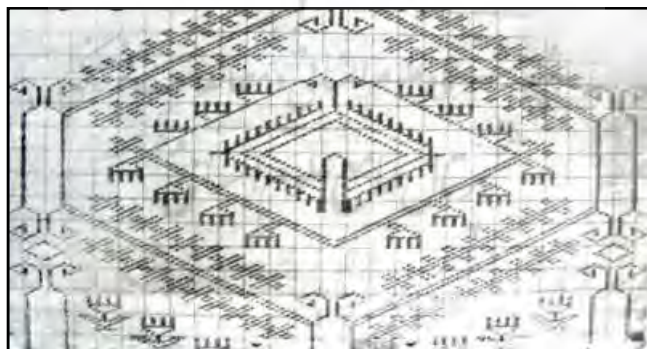
نقش عقرب، متعلق به طایفه تکه



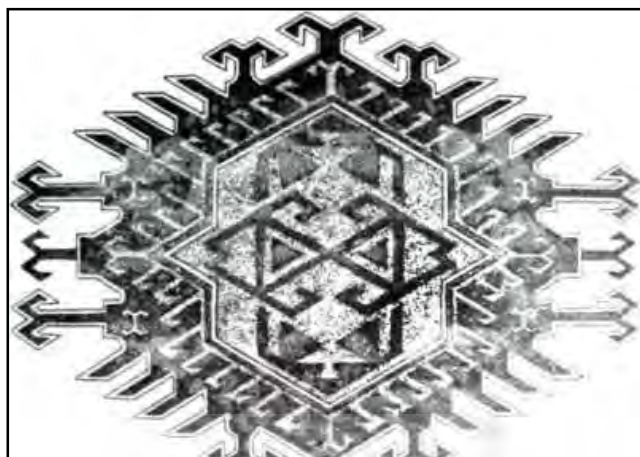
قاسه گل، متعلق به طایفه جعفربای، این نقش لانه پرنده‌ای است که در سواحل دریای مازنداران، در میان چارپایان تخم می‌گذارد و مورد احترام آنهاست.



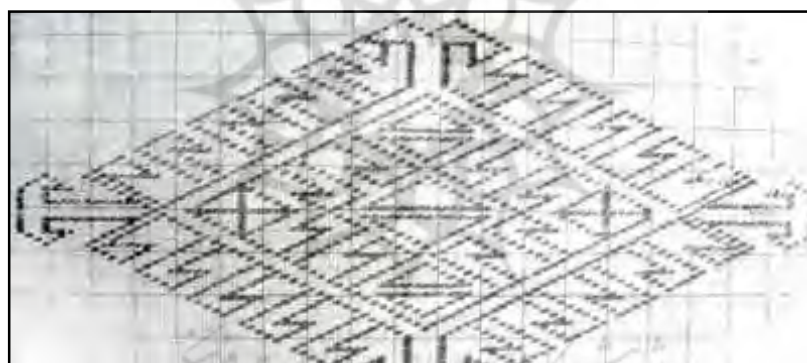
گرمج یا حصار، نقشی متعلق به طایفه تکه. وسیله‌ای است که در اطراف جای چارپایان کشیده می‌شود که در اینجا با فرش بافته شده است.



گرمج یا حصار



درناق گل (dornâq gul)، متعلق به طایفه جعفریای



طرح درناق گل، کار استاد نیازی با الهام از کتاب مشکووا

جمع بندی

بنیاد اقتصادی زندگی اغلب ترکمن‌ها، مانند همه عشایر، دامداری است. با وجود این، اوضاع جغرافیایی و سیاسی گاه امکانات بهتری مثل کشاورزی را فراهم می‌آورد. زنان عشایر و از جمله ترکمن‌ها در انواع بافته‌ها چنان کاردان و مسلط بودند که با ساده‌ترین ابزارها مجموعه متنوع و شگفت‌انگیزی را ایجاد می‌کردند که گاه، بویژه هنگام عروسی، بر

روی شتر و اسب به نمایش گذاشته می‌شد. کهنه‌ترین این نمونه‌ها از قرن دوازدهم هجری (هیجدهم میلادی) عقب‌تر نمی‌رود، و به همین دلیل، تاریخ قالی ترکمن اساساً روشن نیست. از میان قبایل مختلفی که قالی‌بافی در آنها رواج داشته است (در قرون گذشته) فقط نام سه قبیله کهنه به جای مانده که از قالی‌بافی آن سخن رفته است: سالور (sâlor)، چلدر (çaldar) جولدر (juldar)، دولدر (duldar)، ایمدلی (imdali) و ایلمور (ilmur). کهنه‌ترین و عمده‌ترین قالی‌های ترکمن از قرن نوزدهم میلادی، باقی مانده است. در عین حال که بافت قالی در بین برخی از قبایل ترکمن تأیید نشده است، چندین قبیله که قدیمی‌تر، بزرگ‌تر و نیرومندتر از همه هستند قالی می‌بافته‌اند. ایل‌های بزرگی چون سالور، تکه (که منشعب از ایل سالور است) ساریک، یموت و ارساری (ersâry) و چلدر (çaldar) از قدیمی‌ترین ایلاتی بوده‌اند که قالی‌بافی در آنها رواج داشته است و هر کدام از آنها نقوش مربوط به قبیله خود (توتم) را داشته‌اند. تاریخ قالی ترکمن انعکاسی از تاریخ این قوم است. همچنان که در مورد تاریخ هیچ قبیله‌ای نمی‌توان با اطمینان سخن گفت، بیان تاریخ قالی ترکمن نیز خالی از اشکال نیست. الگوی کلی قالی ترکمن نشان از تحولات شدید ندارد، زیرا به صورت نقش‌های تکراری باقی مانده است. این نقش‌ها در ایران بیش از ششصد سال سابقه دارند و در بسیاری از مینیاتورهای قرن هفتم هجری به بعد منعکس شده‌اند.

با توجه به اهمیت فراوان فرش‌های دست‌بافت ایران در عرصه‌های جهانی که نشان از ذوق و سلیقه فراوان زنان قالیباف ما دارد امید است که بتوان با حمایت‌های اجتماعی و اقتصادی این میراث کهن را حفظ کرد و به نسل‌های بعدی منتقل کرد.

منابع

۱. بداغی، ذبیح‌الله (۱۳۷۱) نیازجان و فرش ترکمن، تهران: انتشارات فرهنگان.
۲. بوگولیوبوف (۱۳۵۶) علم فرش‌های ترکمنی، ترجمه نازدیبا خزیمه، تهران: موزه فرش ایران.
۳. حصوری، علی (۱۳۷۱) نقش‌های قالی ترکمن و اقوام همسایه، تهران: انتشارات فرهنگان.
۴. مراددورديف، شهرات قاديرف (۱۳۷۹) ترکمن‌های جهان، ترجمه امانگلدی ضمیر، تهران: انتشارات درخت بلورین.

